

غیبت در لغت به معنی حضور نداشت یک فرد در یک مکان خاص است. به عنوان مثال، دانش‌آموزان باید مطابق برنامه درسی‌شان در کلاس‌های مدرسه حاضر باشند، و عدم حضور آن‌ها در کلاس غیبت نام می‌گیرد.

همچنین غیبت کردن در عرف به معنی نقل بدی‌های یک فرد در جمعی که او در آن حضور ندارد به کار می‌رود. اصطلاح دیگری که معادل این معنای غیبت است، پشت سر کسی بدگویی کردن یا پشت سر کسی حرف زدن است. زمانی آن چه که پشت سر کسی گفته می‌شود غیبت نام می‌گیرد که اولاً آن فرد از شنیدنش ناراحت شود، و دوم آن چه آن حرف راست باشد. اگر آن چه که پشت سر فردی گفته شده، راست نباشد، بهتان یا تهمت نام می‌گیرد.

از دید فقه اسلام، غیبت کردن به معنای آشکار کردن عیب مخفی مومن است. غیبت در اسلام از گناهان کبیره است و بنا بر روایات گناه بزرگتری از دروغ و زنا است.

غیبت در لغت به معنی حضور نداشت یک فرد در یک مکان خاص است به عنوان مثال، دانش‌آموزان باید مطابق برنامه درسی‌شان در کلاس‌های مدرسه حاضر باشند، و عدم حضور آن‌ها در کلاس غیبت نام می‌گیرد. همچنین غیبت کردن به معنی نقل بدی‌های یک فرد در جمعی که او در آن حضور ندارد به کار می‌رود. اصطلاح دیگری که معادل این معنای غیبت است، پشت سر کسی بدگویی کردن یا پشت سر کسی حرف زدن است. زمانی آن چه که پشت سر کسی گفته می‌شود غیبت نام می‌گیرد که اولاً آن فرد از شنیدنش ناراحت شود، و دوم آن که آن حرف راست باشد. اگر آن چه که پشت سر فردی گفته شده، راست نباشد، بهتان یا تهمت نام می‌گیرد احکام غیبت چیست؟ غیبت آن است که عیب پنهانی کسی را پشت سر او بگویند. اگر صفت ناروا در شخصی باشد یا کاری انجام داده باشد که گناه است و دیگران از آن بی اطلاع اند و دوست ندارد کسی آن را برای دیگران بازگو کند، بازگو کردن آن پشت سر او برای دیگران غیبت است.

احکام غیبت

غیبت هم برای گوینده و هم برای شنونده حرام است. سؤال: آیا انتقاد از مسئولین کشور و شهر، غیبت محسوب می‌شود؟ جواب: چنانچه هدف کوچک کردن آنها باشد، حرام است. سؤال: آیا در مسائل سیاسی و اجتماعی غیبت جایز است؟ ملاک و میزان چیست؟ جواب: اگر عنوان غیبت داشته باشد، جایز نیست. سؤال: آیا غیبت کردن از یک نفر یا دو نفر نامشخص، حرام است؟ جواب: مانع ندارد. سؤال: اگر شخصی قدش کوتاه است و پشت سرش بگویند که قدش کوتاه است، آیا غیبت محسوب می‌شود؟ جواب: نسبت به صفات ظاهره که همه از آن آگاهی دارند، اگر قصد هتک و

تحقیق نداشته باشد، اشکال ندارد. سؤال: آیا غیبت بچه نابالغ ممیز یا غیر ممیز جایز است؟ جواب: در بچه ممیز جایز نیست. سؤال: آیا شوهر می تواند در مقابل دیگران عیوب زنش را بگوید و او را تحقیر کند، اگر چه به شوخی باشد؟ جواب: غیبت کردن مؤمن و نیز تحقیر مؤمن و کاری که موجب اذیت او می شود، جایز نیست. سؤال: آیا گفتگو درباره رسوم، آداب، گفتار، کردار، طرز لباس پوشیدن، شکل ظاهری، ادا در آوردن روستاییها، شهریهها و قبائل گوناگون ایران، غیبت محسوب می شود؟ جواب: اگر به قصد عیب جویی و مسخره کردن نباشد، اشکال ندارد. سؤال: آیا بررسی کارهای مسئولی از مسئولان نظام جمهوری اسلامی در غیاب او از نظر شرع مقدس، غیبت محسوب می شود؟ جواب: بررسی مسائل اجتماعی و انتقادهای سازنده و مثبت، غیبت محسوب نمی شود. سؤال: در بین بعضی از مردم مرسوم است که وقتی می خواهند نشانی شخصی را بدهند، مثلاً می گویند: «همان که قدش کوتاه است» یا «شکمش بزرگ است» و مانند این تعبیرات، اگر آن فرد را بشناسیم و بدانیم که با این حرفها ناراحت می شود، آیا غیبت محسوب می شود؟ جواب: در صورتی که این صفات در عرف، جنبه مذمت داشته باشد، جایز نیست. سؤال: آیا غیبت کردن از مسئول اداره و یا کارمندی که خلاف مرتکب شده، جایز است؟ جواب: اگر به قصد نهی از منکر باشد و اثر داشته باشد، لازم است.

موارد جواز غیبت

۱. غیبت متجاهر به فسق (کسی که علنی و آشکار گناه می کند)، که در مورد همان گناهش به اتفاق فقها جایز است و اما نسبت به گناهان دیگرش که پنهان است، مورد اختلاف است. ۲. موارد تظلم شخص از کسی که در حق او ظلم کرده، که می تواند ظلم او را بیان کند. ۳. موارد مشورت، مانند کسی که می خواهد دخترش را به کسی بدهد، و با شخصی در مورد آن فرد مشورت می کند که آن شخص می تواند عیب پسر را نقل کند. ۴. در موارد خیرخواهی و نصیحت، مثل اینکه شخصی با کسی رفیق شود و انسان احتمال دهد که این رفاقت منجر به فساد آن شخص شود. در این صورت، چون رفیق او آدم بدی است، می توان در مقام نصیحت و خیرخواهی، عیب او را ذکر نمود. ۵. کسی که می خواهد به دین ضرر بزند. ۶. کسی که می خواهد به خودش ضرری بزند که لازم است او را حفظ نمود. ۷. کسانی که نوشته‌های مسموم، منحرف کننده و باطل دارند. توبه از غیبت پس از واقع شدن غیبت، توبه و پشیمانی از آن واجب است و احتیاط مستحب آن است که از غیبت شده، اگر فساد بر آن مترتب نگردد، حلالیت بطلد و یا برای او استغفار کند. بنابراین، اگر غیبت شونده از دنیا رفته، برای او بسیار استغفار کند و اگر زنده است و انسان بزرگوار و باگذشتی است و گفتن به او عداوت و دشمنی و فتنه ایجاد نمی کند، احتیاط مستحب آن است که از وی حلالیت بطلد و اگر احتمال می دهد که مراجعه به او سبب عداوت و فتنه می شود، به وی مراجعه نکند و در عوض برای او بسیار استغفار کند. سؤال: اگر کسی غیبتی از شخصی کرده، همچنین تهمت زده یا شنیده، در این موارد باید رضایت فرد غیبت شده و شخص تهمت زده شده را جلب کند یا خیر؟ جواب: لازم نیست، ولی باید توبه کند. سؤال: اگر فردی غیبت فرد دیگر را

نموده، آیا باید برای توبه کردن، از طرف مقابل طلب رضایت نماید یا اینکه تنها استغفار کافی است؟ در صورت مانع بودن شرم و حیا، چه باید کرد؟ جواب: استغفار کافی است. غیبت و راههای درمان آن

نوزدهمین حدیث از چهل حدیث حضرت امام خمینی(ره) در خصوص غیبت، راههای ترک این گناه و گناه شنیدن غیبت است. این مبحث با روایتی از امام صادق علیه السلام شروع می شود: امام به نقل از رسول خدا(ص) فرمودند: " غیبت در دین مرد مسلمان سریع تر از مرض اکلہ در درونش اثر می گذارد و رسول خدا(ص) فرمود: نشستن در مسجد در انتظار خواندن نماز عبادت به حساب می آید، تا زمانی که از او چیزی سر نزنند. از آن حضرت سوال شد چه چیز از او سر نزنند؟ حضرت فرمود: غیبت از او سر نزنند. " مرض اکلہ، دردی است که وقتی در عضوی از اعضای بدن پیدا می شود، آن عضو را می خورد و نابود می کند. منظور حدیث این است که همان طور که وقتی مرض اکلہ در بدن پیدا شود، عضو مبتلا را می خورد و نابود می سازد، غیبت کردن هم همین تاثیر را نسبت به دین شخص دارد.

معنای غیبت

فقها تعاریف فراوانی برای غیبت داشته اند و معیارهایی در این خصوص ارائه کرده اند. شیخ شهید در کتاب کشف الریبه ملاک غیبت را اینگونه معنا کرده است که: " هرگاه کسی در غیاب دیگری سخنی نسبت به او بگوید که عرفاً و در نزد مردم نقص و عیب به حساب می آید و قصد وی از این کار سرزنش و یا برملا کردن نقص او باشد، مرتکب غیبت شده است. " همچنین ابوذر می گوید: از رسول خدا(ص) پرسیدم که غیبت چیست؟ حضرت فرمودند: " غیبت عبارت است از اینکه نسبت به برادرت چیزی بگویی که او از آن خوشش نمی آید. ابوذر پرسید: حتی اگر این صفت و ویژگی در او باشد؟- باز هم غیبت، به حساب می آید؟- حضرت فرمود: " اگر- آن صفت- در او باشد، غیبت است؛ والا تهمت به حساب می آید. " روشن است که منظور برادر در این روایت تنها برادر نسبی نیست، بلکه برادر ایمانی را هم شامل می شود. منظور از اکراه نیز چیزی است که عرفاً عیب و نقص به حساب می آید و قصد مذمت و گفتن نقص هم در روایت مستتر و تلویحاً آمده است؛ والا اگر از راه لطف و مرحمت چیزی در خصوص او بگوید، غیبت صورت نگرفته است.

اشکال مختلف غیبت

نکته قابل توجه اینکه غیبت کردن تنها با لفظ شکل نمی گیرد، بلکه در بسیاری از موارد غیبت کردن با حرکات اعضا هم مصداق می یابد، چنان که عایشه می گوید: " زنی نزد ما آمد. چون روی خود برگرداند با دست اشاره کردم که کوتاه قد است. رسول خدا(ص) فرمودند: غیبت این زن را کردی. " از روایات درک می شود که افشای آنچه از عیبهای مومن پوشیده شده است حرام می باشد؛ چه شخص راضی باشد و چه راضی نباشد، چه قصد برملا کردن نقص در میان باشد

و چه نباشد، اما از ملاحظه مجموع روایات برمی آید که قصد، برملا کردن نقص است که این افشاگری را حرام می‌کند مگر این که اصل مورد از مواردی باشد که اظهار آن حرمت شرعی داشته باشد مثل معصیت که خود معصیت کننده هم نمی‌تواند اظهار کند. حتی اگر مومن نسبت به برملا کردن مسائل پنهان خود راضی باشد و قصد برملا کردن نقص و عیب هم در میان نباشد، غیبت به حساب می‌آید.

حرمت غیبت اجماعی است

حرمت غیبت اجماعی و بلکه از ضروریات فقه است. مهم، توجه به پیامدهای آن است که امید است با اندیشیدن در این پیامدها به آن مبتلا نشویم و اگر مبتلا هستیم، به زودی برگردیم که اگر با این صفت از دنیا برویم، رسوایی در قیامت را به دنبال دارد و صورت ملکوتی آن همان است که در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۲ آمده است: "... آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر خود را بخورد، در حالی که مردار است...؟! " از آن جا که غیبت کننده در دنیا آبروی مردم را دریده است - مانند حیوانی که بدن مردم را پاره می‌کند - در قیامت صورت ملکوتی این عمل - خوردن مردار - به او برمی‌گردد. در روایت آمده است که رسول خدا(ص) مردی را به خاطر ارتکاب زنا سنگسار نمود. یکی از حاضران به رفیقش گفت: " این مرد در جایگاه خود مثل سگ کشته شد. " سپس رسول خدا(ص) با آن دو نفر از مرداری عبور کردند. پیامبر(ص) به آنها فرمود: " با دندان‌های خود از این مردار بکنید. " آنها گفتند: یا رسول الله! آیا از گوشت مردار بخوریم؟ پیامبر(ص) فرمود: آنچه از برادر خود به شما رسید تعفن آن بیش از این است.

عذاب برای غیبت کننده

در برخی روایات هم آمده است که در روز قیامت غیبت کننده گوشت خود را می‌خورد. مرحوم شیخ صدوق به سند خود از امام علی(ع) نقل می‌کند که در ضمن موعظه‌های خود به نوف البکالی فرمود: "... از غیبت دوری کن، زیرا غیبت نان و خورش سگ‌های آتش است. ای نوف! دروغ‌گوست کسی که فکر می‌کند حلال زاده است در حالی که گوشت‌های مردم را با غیبت کردن می‌خورد. " در روایت دیگری از پیامبر اکرم(ص) آمده است که: " کسی که فرد مسلمانی را غیبت کند، روزه اش باطل گردد و وضویش شکسته شود و در قیامت در حالی محشور می‌شود که از دهانش بویی بدتر از مردار به مشام می‌رسد، به طوری که اهل قیامت از بوی او در عذاب خواهند بود. " همچنین انس بن مالک به نقل از رسول خدا(ص) می‌گوید: " در شب معراج بر قومی گذر کردم که روی خود را با چنگال خویش خراش می‌دادند. از جبرئیل پرسیدم: اینها چه کسانی هستند؟ گفت: اینها کسانی هستند که غیبت مردم را می‌کردند و آبروی مردم را می‌بردند. " کسی که تلاش می‌کند عیب‌های پوشیده مردم را برملا کند، خداوند او را رسوا خواهد کرد. چنان که امام صادق(ع) به نقل از رسول خدا(ص) فرمود: " ای کسانی که به زبان اسلام آورده اید و ایمان به قلب شما وارد نشده است! مسلمانان را سرزنش نکنید! و عیب‌های پوشیده آنها را جستجو نکنید! زیرا کسی که پوشیده‌های آنها را جستجو

کند، خداوند پوشیده هایش را جستجو کند، افتضاح نماید، اگر چه در خانه اش باشد." فردی که عیب‌های پوشیده مردم را افشا می‌کند؛ چون مردم ناموس الهی اند، هتک حرمت الهی کرده است. پس در این عالم و آن سرا رسوا خواهد شد. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده که رسول خدا(ص) در معراج از خداوند پرسید: "ای پروردگار! حال مومن نزد تو چگونه است؟ فرمود، ای محمد! کسی که دوستی از من را اهانت کند، پس همانا به محاربه با من اقدام کرده است..." در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که غیبت کردن سبب خروج از ولایت الهی و ورود در ولایت شیطان می‌شود. غیبت حق الناسی است که ... غیبت از جمله گناهایی است که علاوه بر جنبه حق الهی، جنبه حق الناسی هم دارد. رسول خدا(ص) در ضمن سفارشات خود به ابوذر فرمود: "از غیبت کردن بترس که آن از زنا شدیدتر است؛ پرسیدم: ای رسول خدا! به چه علت؟ حضرت فرمود: چون زنا کننده اگر توبه کند، خداوند او را می‌آمرزد، اما غیبت آمرزیده نشود مگر این که صاحبش (غیبت شونده) را راضی کند." پس چه بسیار افرادی که گرفتار حق الناس شوند و در قیامت شخصی از او راضی نگردد! روایت دیگری در این زمینه از رسول خدا(ص) گویای تاثیر غیبت در از بین بردن نیکی‌های بنده است. آن حضرت فرمود: "آتش در سوزاندن و از بین بردن چیز خشک از غیبت در نابودن کردن نیکی‌های بنده سریع‌تر نیست؛ چنان که در روایتی از رسول خدا(ص) آمده است که در روز قیامت شخصی در نامه عمل خود نیکی‌های خود را نمی‌بیند. چون از این امر سوال می‌کند به او گفته می‌شود چون غیبت کردی، عمل تو از بین رفت.

آسیب‌های اجتماعی غیبت

گناه غیبت نه تنها موجب فساد در ایمان و اخلاق شخص و رسوایی او در دنیا و آخرت می‌گردد، بلکه مفساد اجتماعی و بشری را هم به دنبال دارد. از مقاصد بزرگ انبیاء علیهم السلام تشکیل مدینه فاضله و جامعه ای نیکوست، و این مهم زمانی به وجود می‌آید که مردم با یکدیگر الفت و محبت داشته باشند، به طوری که افراد همگی به منزله یک شخص باشند و در این صورت چنین طایفه و ملتی بر طوایف و ملت‌های دیگر پیروز خواهند شد، همان طور که مسلمین صدراسلام بر اثر همین اتفاق و وحدت بر حکومت‌های بزرگ آن پیروز شدند. بر اساس آنچه گفته شد و روایاتی که در این زمینه وجود دارد، مسلمین مامور و موظفند که با یکدیگر دوستی و مودت ورزند؛ و طبعاً آنچه این دوستی را می‌افزاید مطلوب و پسندیده است و هر چه از این دوستی و مودت کم کنند، ناپسند است و واضح است که غیبت کردن موجب کینه و دشمنی و بغض می‌شود و از این رهگذر وحدت اجتماع از بین می‌رود، و این از آسیب‌های اجتماعی غیبت است و لازم است برای پرهیز از این ضرر بزرگ از این عمل زشت دور شوند.

راه درمان غیبت

برای درمان این بیماری از دو راه علم و عمل باید استفاده نمود. درمان علمی: درمان علمی این گناه آن است که شخص در پیامدهای این گناه بیندیشد و این پیامدها را با آنچه از این گناه عایدش می شود، مقایسه کند، از این مقایسه وی تشویق می شود که این عمل را ترک کند؛ زیرا او با این گناه از چشم مردم می افتد، رسوای دو عالم می گردد، بغض و کینه و دشمنی ایجاد می کند. هرگاه این پیامدها را با چند لحظه یاوه سرایی و بذله گویی مقایسه کند، پی خواهد برد که با غیبت کردن چه خطای بزرگی مرتکب شده است. ای عزیز! با بندگان خدا که مورد دوستی خداوند هستند، محبت قلبی داشته باش! مبادا با محبوب حق، دشمنی ورزی که خداوند در این صورت ترا از رحمت خود دور می سازد. قدری در آثار دنیایی و اخروی غیبت اندیشه کن و در صورت های وحشتناک این گناه در قبر و قیامت تأمل نما و به اخبار و احادیثی که در این زمینه وارد شده است دقت کن و میان چند دقیقه بذله گویی و نتایج این گناه مقایسه ای به عمل آور. در این صورت از این گناه پرهیز خواهی کرد. وانگهی اگر کسی غیبت دیگری می کند به این انگیزه که با او دشمن است، چگونه حاضر می شود نیکی هایش را به دشمنش منتقل کند و گناهان دشمن را به نامه عمل خود وارد کند؟ چنان که در روایات به این پیامد غیبت اشاره شده است. درمان عملی: آنست که به هر زحمتی هم که شده، عنان نفس زبان را به دست بگیری تا به مرور زمان به راحتی از غیبت کردن پرهیز نمایی. و سعی کنیم که خوبیهای مردم را ببینیم و به دنبال معایب آنها نباشیم. آورده اند که حضرت عیسی (ع) با عده ای از حواریون از جایی عبور می کردند که به مردار سگی برخوردند. همراهان گفتند: چه مردار بدبویی! حضرت عیسی (ع) فرمود: چه دندانهای سفیدی دارد. آنها نقص مردار را دیدند و حضرت عیسی کمال آن را گوشزد کرد. چقدر خوب است بیش از آنچه به عیب های دیگران توجه کنیم به دنبال کشف عیب های خود باشیم. چنان که رسول خدا (ص) فرمود: "خوشا به حال کسی که مشغول بودن او به عیبش، او را از عیب جویی دیگران باز دارد".

گوش دادن به غیبت نیز حرام است

همانطور که غیبت کردن حرام است، گوش دادن به غیبت هم گناه به حساب آمده و حرام می باشد. از برخی روایات استفاده می شود که گوش کننده غیبت همانند غیبت کننده است؛ چنان که امام علی (ع) فرمود: "گوش کننده به غیبت، نیز غیبت کننده است." از برخی روایات استفاده می شود که رد کردن غیبت واجب است و در روایتی از رسول اکرم (ص) رد کردن غیبت را باعث دفع شر و بدی از غیبت کننده عنوان نموده اند. امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا فرمود: "آگاه باش کسی که بر برادر خود منت بگذارد و غیبتی را که در مجلسی درباره او شنیده است رد کند، خداوند متعال هزار باب از بدی در دنیا و آخرت از او رد می کند و اگر با وجود توانمندی از این کار خودداری ورزد، برای او مثل گناه کسی است که هفتاد بار او را غیبت کرده باشد، خواهد بود." روایت دیگری در این زمینه از رسول خدا (ص) آمده است. آن بزرگوار فرمود: "ای علی! کسی که نزد او برادر مسلمانش غیبت شود و بر یاری کردن برادرش - دفع غیبت او - توانا باشد و او را یاری نکند، خداوند او را در دنیا و آخرت رسوا می کند." نکته ظریفی را مرحوم شیخ انصاری در

تفسیر این روایات آورده و آن این است که مقصود از یاری رساندن غیبت شونده غیر از نهی از غیبت است؛ بلکه منظور آن است که هرگاه غیبت کننده عیبی دنیایی را مطرح کرد، شخص در جواب بگوید اینها که عیب نیست؛ بلکه گناه کردن عیب است؛ و اگر عیبی اخروی مطرح کند، برای یاری کردن برادر دینی اش بگوید: بالاخره افراد گاهی مرتکب خطا می شوند بهتر است برای او طلب آمرزش شود نه عیب جویی و غیبت. نکته دیگر این که گاه شنونده غیبت با برخی حرکات مشوق غیبت کننده می شود، مثلاً وقتی غیبتی می شود مکرراً "استغفار" کند یا کلامی مثل "عجب" و... بگوید. این حرکات غیبت کننده را به ادامه کار تشویق می کند و طبعاً حرمت آن محرز و مسلم است. کلامی از شهید ثانی شهید ثانی کلامی در این زمینه دارد و آن این که از بدترین انواع غیبت، غیبتی است که اهل علم با برخی جمله‌ها مرتکب می شوند؛ مثلاً وقتی سخن از کسی به میان می آید، او می گوید: الحمدلله که ما اهل ریا و خودنمایی نیستیم این شخص در حقیقت مرتکب غیبت شده، زیرا به طرف فهمانده است که شخص مورد نظر اهل ریا و خودنمایی است. یا گاهی کسی صفت بدی را به خود نسبت می دهد تا دیگری را به این صفت مطرح کند؛ مثلاً می گوید فلانی آدم خوبی است؛ ولی به دلیل کم تحملی که همه ما به آن مبتلا هستیم، در عبادات سست است. یا بگوید: برای فلان دوست ما فلان حادثه اتفاق افتاد، خداوند او و ما را بیمارزد. او با این کار در حقیقت سرپوشی بر باطن پلید خود قرار داده است. اینها نیز از مصادیق غیبت هستند. آنچه گفته شد برخی از پیامدهای غیبت و نیز راههای مقابله با آن و مصادیق این گناه بود. به خداوند متعال پناه می بریم از نفس اماره و بدی هایی که رها کردن عنان زبان ما را به آنها دچار می سازد.

ابعاد غیبت از دیدگاه روایی

به غیبت از سه بعد می توان توجه کرد:

(۱) بعد عملی: در روایت پیشین به بعد عملی غیبت اشاره داشت.

(۲) بعد درونی (روانی):

امام علی (ع) می فرماید: پست ترین مردم کسی است که غیبت می کند. حضرت در این روایت به بعد درونی و روانی غیبت نظر دارد؛ به این معنا که حال درونی شخص غیبت کننده را بیان می کند.

(۳) بعد معنوی (الهی):

حضرت در روایت دیگری به تأثیر منفی غیبت در بعد معنوی اشاره دارد و رابطه خداوند با اهل غیبت را روشن می سازد: مبعوض ترین مردم در نظر خداوند کسی است که غیبت می کند.

رسول اکرم (ص) می فرماید: ای گروهی که به زبان ایمان آورده اید، اما دل های شما ایمان نیاورده است، از مسلمانان غیبت نکنید.

رسول خدا (ص) با صراحت ابراز می دارد که غیبت کننده، فاقد ایمان قلبی است؛ زیرا فردی که با زبان، به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اقرار کند، مسلمان است؛ ولی اگر وابستگی قلبی، یعنی ایمان نداشته باشد و از مسلمانان غیبت کند، بعد معنوی اش ضعیف می شود؛ بنابراین مسلمان واقعی کسی است که قلب و زبانش، هر دو معتقد، و از غیبت به دور باشند.

بدترین نوع غیبت

غیبت از هر مسلمانی زشت و ناروا است؛ اما غیبت از خوبان و صالحان، بسی زشت تر و ناپسندتر است. در روایات آمده است: انسانی که عیوب و نقایص نیکان را مطرح، و پشت سرشان غیبت کند، دچار یکی از زشت ترین پستی ها شده است:

از زشت ترین پستی ها غیبت کردن از نیکان است.

غیبت کردن از اخیار، برگزیدگان و نیکان از نظر دنیایی، پیامدهای منفی در زندگی انسان به بار می آورد. عمر را کوتاه می کند و گرفتاری های بسیاری پیش می آورد و انسان را از خوبی های دنیا و آخرت محروم می سازد.

حکم غیبت از نظر فقهی

پشتوانه احکام در فقه شیعی، ادله اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) است و بسیاری از فقیهان شیعی در بحث غیبت می فرمایند:

غیبت به ادله اربعه حرام است. یعنی فتوای ایشان به هر چهار مرجع، مستند شده است که بر قوت و استحکام فتوای مورد نظر می افزاید. از آن جا که این بحث فقهی به طور گسترده در این مجال نمی گنجد، فقط به ذکر روایتی از امام صادق (ع) در این مورد بسنده می شود که می فرماید: غیبت بر هر مسلمانی حرام است... و غیبت نیکویی ها را می خورد، همان گونه که آتش هیزم را نابود می کند.

رفیقی که غایب شد ای نیک نام دو چیز است از او بر رفیقان حرام یکی آن که مالش به باطل خورند دوم آن که نامش به غیبت برند.

شرایط حرمت غیبت حرمت غیبت از نظر فقهی، شرایطی دارد که عبارتند از:

(۱) شخصی که انسان در غیاب او، عییش را بازگو می کند، مؤمن باشد؛ یعنی بینشان اخوت ایمانی وجود داشته باشد؛ همان گونه که خداوند متعالی در آیه شریفه سوره حجرات، غیبت را به خوردن گوشت برادر مؤمن تشبیه فرمود.

در همین زمینه، روایتی از امام صادق (ع) به نقل از عبدالرحمن سیاب آمده است: غیبت این است که درباره برادر مؤمن عیبی را که خدا برای او پوشانده است، بگویی.

بنابراین، اگر عیب کافر پشت سرش گفته شود، غیبت به شمار نمی آید. و مؤمن کسی است که به همه اصول دین (توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد) اعتقاد داشته باشد.

۲) از نظر شرعی، غیبت هنگامی پیش می آید که پشت سر فرد، «عیب و نقص» او را بازگو کنند؛ ولی اگر کمالش را بگویند (راضی باشد یا نباشد) غیبت شمرده نمی شود.

۳) عیب و نقصی که شخص در غیاب برادر یا خواهر مؤمنش می گوید، نزد عموم ناخوشایند و ناپسند باشد؛ از این رو اگر عامه مردم آن عیب را زشت بشمارند؛ ولی خود فرد غایب به بازگفتن آن راضی باشد، غیبت به شمار می رود.

پیش تر از رسول اکرم (ص) در بحث «تفاوت بهتان و غیبت» روایتی آورده شد که حضرت در تعریف غیبت فرمود: «ذکرک اخاک بما یکره». مقصود از «یکره» در این حدیث، این نیست که آن چه را فقط برادرت خوش ندارد، ذکر کنی؛ بلکه منظور، امری است که به طور طبیعی و نزد عامه ناخوشایند باشد، زیرا خداوند متعالی راضی نیست آبروی مؤمن در اجتماع بریزد.

در روایات هم آمده است: آبروهایتان را حفظ کنید.

امیرمؤمنان (ع) : مؤمن حق ندارد خودش را خوار کند.

پیامبر اکرم (ص) : خداوند بلندمرتبه همه چیز، جز ذلیل کردن نفس را به مؤمن تفویض کرده است.

امام صادق (ع) : پس اگر مؤمن، عیب برادر مؤمن خود را که ناپسند تلقی می شود، پشت سرش بگوید و آن فرد هم راضی باشد، رضایتش موجب برداشته شدن حرمت این عمل نمی شود.

۴) عیب و نقصی در غیاب فرد بازگو شود که از مردم پوشیده بوده است؛ بنابراین اگر فردی به داشتن عیبی نزد مردم معروف باشد، بازگفتن آن نزد کسی که از آن آگاهی دارد، حرام نیست.

حضرت موسی بن جعفر (ع) فرمود: کسی که پشت سر شخصی چیزی را یادآور شود که همه مردم می دانند، غیبت نیست و اگر کسی پشت سر شخصی نقص یا عیبی را بگوید که مردم نمی دانند، غیبت است.

۵) قصد انتقاص وجود داشته باشد؛ یعنی شخص با بازگفتن عیب دیگری، قصد کاستن از وجهه و شخصیت او را داشته باشد؛ پس اگر بازگفتن عیب، برای درمان و برطرف کردن آن باشد، مثل آن که انسان، حالات مریضی را به پزشک بگوید، چون قصد انتقاص ندارد، رفتار او غیبت به شمار نمی آید.

۶) شنونده داشته باشد؛ پس اگر انسانی تنها نشسته باشد و از روی ناراحتی یادآور عیوب دیگری شود، چون شنونده ندارد، رفتار او حرام نیست و غیبت به شمار نمی رود.

استماع غیبت

همان گونه که گفته شد، غیبت زمانی تحقق می یابد که شنونده ای وجود داشته باشد؛ پس شنونده غیبت، همانند گوینده آن، در تحقق غیبت نقش دارد؛ از این رو حکم غیبت شامل حال او نیز می شود. با این وصف، فقیهان «گوش دادن» به غیبت را هم از لحاظ شرعی حرام دانسته اند و از این نظر اختلافی بین آن ها نیست. روایات بسیاری نیز در این زمینه وجود دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود:

امام صادق (ع) نقل کرده است که پیغمبر اکرم (ص) افراد را از غیبت کردن و گوش دادن به آن نهی فرمود: نهی عن الغیبه و الاستماع الیها.

پیامبر گرامی (ص) فرمود: گوش کننده غیبت یکی از دو نفری است که غیبت می کند.

هیچ مجلسی با غیبت آباد نشد، مگر این که از نظر دینی خراب شد.

گوش های خود را از شنیدن غیبت پاک کنید.

امام صادق (ع) نیز می فرماید: غیبت، کفر، و شنونده و خشنود از آن، مشرک است.

کفر بر دو گونه است:

الف) کفر اعتقادی و ب) کفر عملی

کفر اعتقادی عدم اعتقاد به اصول حقه است؛ اما کفر عملی ندیده گرفتن چیزی است که از سوی خداوند مورد امر و نهی قرار می گیرد؛ البته اگر کفر عملی ادامه یابد، چه بسا به کفر اعتقادی بینجامد؛ برای نمونه، تکلیفی مانند نماز که از ارکان و پایه های دین ما است، اگر به صورت عمدی ترک شود، در ایمان انسان خلل وارد می شود چنان که رسول خدا (ص) فرمود: کسی که نماز را به عمد ترک کند، کافر است.

غیبت، طبق فرموده امام صادق (ع) چنین است: غیبت آن است که آن چه {= عیبی} را خداوند پنهان ساخته است، بازگویی.

از سویی، شنونده غیبت در آشکار شدن آن عیب همان اندازه نقش دارد که گوینده غیبت دارد؛ زیرا اگر گوشه برای شنیدن غیبت نباشد، گوینده کاری از پیش نمی برد؛ بنابراین، هر دو مرتکب گناه شده اند.

منابع

محدث نوری: مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۱۳

حر عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۰

شیخ انصاری: مکاسب محرمه، باب غیبت

علامه مجلسی: بحار الانوار، ج ۷۲

دانشنامه اینترنتی آزاد ویکیپدیا

سایت رشد